

سبک رفتار



اعتماد ستون سلامت سازمانی است

کار راه اندازی با دروغ پردازی

■ **مجید فراهانی**

ساعت ۸:۳۰ صبح بود. می گویم و در مقابل شنیدن حرف های کشور مراجع کرده بودم، قاعده کار بر این است که تا این ساعت همه کارمندان پشت میز خود حاضر باشند. اما متأسفانه به غیر از یکی دو نفر کسی پشت میز نش نبود. وقتی علت را پرسیدم گفتند همکاران صبحانه می خوردند. یک حساب سر انگشتی کردم. دیدم اگر بخواهیم با همین روند منتظر بهایم در خوشبینانه ترین حالت رود تر از ساعت ۱۰ کارم راه نمی افتند.

■ **اپیدمی دروغ اداری**

به راحتی دروغ می گویم و در مقابل شنیدن حرف های دروغ با ایمان به دروغ بودن آن هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهم. کارمندی که پشت میز نشسته است می داند که ارباب رجوع دروغ می گوید تامشکل حل شود اما برای او از حقیقت بیشتری قائل است. البته فضای آلوده ادارات مسلماً ناشی از مسائل اجتماعی است و این اپیدمی را نمی توان خارج از فضای عمومی جامعه مورد بررسی قرار داد. اما نکته اصلی این است که چرا فضای ادارات و سازمان های ما تا این حد آلوده به دروغ شده است؟ چرا برای انجام امور خود که از وظایف ذاتی کارمندان و مجموعه اداری است باید این همه دروغ سر هم کنیم؟ و چرا زمانی که صادقانه اقدام می کنیم همان کارمند و مجموعه برای ما اهمیتی قائل نیستند؟! اینها و سوالات بسیاری که در این زمینه وجود دارد باعث شده است که مسئله دروغ در ادارات را جدی بگیریم زیرا آنجا سلامت اداری رویه و هستیم. شما نمی توانید فضای آلوده به دروغ در محیط های کاری و اداری داشته باشید و بعد انتظار داشته باشید که رشوه خواری کاهش یابد و کاغذ بازی از میان برود، زیرا بنیان و اساس بسیاری از فسادها همان رواج دروغگویی و کاهش قبح آن است. فضای اداری که گاهی نیستی و

آن جا را چه ارباب رجوع و چه کارمندان زیر نظر بگیرد

■ **سبک مراقبت**

■ **مریم ترابی**

روزگار بدی شده است. به هر کسی که بر خورد می کنیم به حرف ها و رفتار ش به دیده شک و تردید نگاه می کنیم. از دوست قدیمی تا آشنای امروزی، چرا که خیلی ها برای بهتر نشان دادن و محق جلوه دادن خود به هر دروغ و کلکی متوسل می شوند. برای اینکه بگویند آدم مهمی هستند و خیلی کارها از آنها ساخته است، حاضرند به هر تر فندی دست بزنند. بسیاری از دوستی ها، مناسبت ها، فامیلی ها، ازدواج ها، معامله ها و... به دروغ و نیرنگ تبدیل شده است. دروغ های دروغین، محبت های دروغین و دوستی هایی که منظور های خاصی پشت آن پنهان شده است سبب می شوند که اعتمادها از بین بروند. دروغ این خصلت زشت، بسیاری از آدم بزرگ های شهر و جامعه ما را بدچور آلوده خود کرده است.

■ ■ ■

■ **نه گفتن به دروغ در جامعه قانونمند**

دروغگویی مختص مردم خاص یا جامعه خاصی نیست. در تمام دنیا دروغگویی به عنوان یکی از خصلت های زشت انسانی به شمار می آید. حال در جامعه ای پررنگ تر خود را نشان می دهد و در جامعه ای دیگر کم رنگ تر. هر چه جوامع قانونمندتر باشند، مردم به مرور زمان بیشتر یاد می گیرند که دروغ گفتن به سودشان نیست. البته در این شکی نیست که گاهی دروغ، سودمندی کوتاه مدتی دارد اما این افراد ناگاه نمی دانند که این سودمندی کوتاه مدت می تواند چه عواقب سوئی برای آن دراز مدت داشته باشد.

■ **ویروس دروغ را در خود بکشیم**

معمولاً همه بر این باورند که باید در زندگی فردی و اجتماعی خود شفاف و روراست باشند. آنها شاید به این اعتقاد مذهبی «دروغگو می رود به جهنم» که ما از بچگی با آن بزرگ شده ایم، ایمان نداشته باشند ولی به این باور رسیده اند که دروغ چیزی است که رسوایی، بی برویی، بی اعتمادی و از همه مهم تر، عقب ماندگی را برای آنها به همراه دارد پس برای اجتناب از این موارد، صداقت و راستگویی را سرلوحه زندگی خود قرار داده اند و نتایج مثبت این خصلت نیکوار در زندگی خود می بینند.

هستی یک خانواده به درستی و صحت انجام کار و سرعت و دقت آن بستگی دارد نباید با دروغگویی آلوده شود و شاهد از میان رفتن اعتماد بین اقشار جامعه به سازمان ها و ادارات باشیم. در این جا لازم است مدیر به عنوان رکن اساسی و مسئول اقدامات و فعالیت های مجموعه به این موضوع دقت کند و فرایند اجرای کارها را به دقت زیر ذربین خود داشته باشد. هنگامی که کارهای اداری درست و صحیح انجام امور مردم برای مجموعه محترم شمرده شود مسلماً ارباب رجوع دلیلی نمی بیند برای انجام کارش متوسل به دروغ پردازی و ریاکاری شود. هیچ سازمانی نمی توان بی نیاز از اصول اخلاقی و به ویژه سرآمدترین آنها که همانا صداقت و درستکاری است دانست. سازمان مجموعه ای از افراد است و در هر سازمان نقش افراد انجام دادن کارها و پیشبرد وظایفی است که به آنها محول می شود. بنابراین باید در مرحله اول اصول اخلاقی به عنوان یک ارزش در سازمان نهادینه شود و بین سازمان و کارکنان آن روابط مؤثر، شفاف و دوستانه برقرار شود تا کارکنان و دیگران شاهد پویایی و عملکرد مثبت کل سازمان باشند.

■ **باز یابی اعتماد از دست رفته**

اگر یک روز کاری را در یک اداره متمرکز نشود و افراد آن جا را چه ارباب رجوع و چه کارمندان زیر نظر بگیرد

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۷۱۹

درد

عده ای فکر می کنند صداقت و راستگویی صرفاً یک مسئله اخلاقی است و تأثیرات آن زیاد در جامعه به چشم نمی آید و شاید حداکثر شاهد آثار سوء آن در یک محدوده بسیار کوچک و گذرا باشیم و از این رو ناخود آگاه می خواهند آن را در بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی به حاشیه برانند، اما باید گفت که صداقت و دروغگویی موضوعی کلیدی در فهم و نقد تمامی حوزه های اجتماعی است و نقش آن در اقتصاد و تجارت نیز کمتر از سرما یه، نیروی انسانی و دیگر عوامل نیست

دردی که اپیدمی می شود ظاهر آکسی را به تب و لرز نمی اندازد و کسی هم نگران آنها نمی شود اما واقعیت این است که خطر آنها حتی از اپیدمی های میکروبی هم بیشتر است. «پدیمی دروغ» در ادارات و سازمان ها یکی از این همه گیری های خطرناک است. دروغ گفتن برای افراد مثل غذا خوردن و آب نوشیدن شده است و این اتفاق بد، علت های متعددی دارد که بایداگر دلمان به حال جامعه دروغگو داشتن نمی سوزد در جدی تر طرف نمودن آن اقدام کنیم.

چیزها که اپیدمی می شود ظاهر آکسی را به تب و لرز نمی اندازد و کسی هم نگران آنها نمی شود اما واقعیت این است که خطر آنها حتی از اپیدمی های میکروبی هم بیشتر است. «پدیمی دروغ» در ادارات و سازمان ها یکی از این همه گیری های خطرناک است. دروغ گفتن برای افراد مثل غذا خوردن و آب نوشیدن شده است و این اتفاق بد، علت های متعددی دارد که بایداگر دلمان به حال جامعه دروغگو داشتن نمی سوزد در جدی تر طرف نمودن آن اقدام کنیم.

مواجه خواهید شد که چند درصد از افراد جامعه برای چه موضوعاتی تن به دروغ پردازی می دهند. یکی از علل این ناهنجاری در ادارات و سازمان های ما عدم اعتمادسازی است. شاید کمتر دیده باشید که برای یک کار اداری که مجبور هستید اطلاعات خود را به زیر مجموعه های دولت بدهید هر چند به صورت شفاف دلیل جمع آوری اطلاعات بیان شده اما هیچ وقت پاسخ‌ها به صراحت ارائه نشده است. هیچ از خود پرسیده‌اید دلیل سوالاتی نظیر میزان تحصیلات یا در آمد برای چیست و تا زمانی که این اعتمادسازی برای فرآیندهای اداری ضروری نشود مسلماً نباید انتظار داشت افکار عمومی به صداقت روی بیاورد. باید بدانیم اساس پاکسازی جامعه از دروغ افزایش اعتماد و شفاف سازی بین مدیران و مردم جامعه است موضوعی که بارها و بارها از جانب بزرگان کشور مورد تأکید قرار گرفته است. باید توجه داشت اعتماد در سازمان‌ها از بالا به پایین جریان می یابد و اگر مدیران ارشد قابل اعتماد باشند حس دروغ و شیادی زندگی خود را می گذرانند. بعضی از افراد نیز اعتماد به سطوح پایین سازمان نیز رخنه می کند. پس به سطوح کارشناسی سازمان اعتماد کنید تا مسیر توسعه صداقت و صمیمیت هموار شود. بنابراین باید اعتماد از دست رفته را با تر فندهای مختلف و به خصوص شفاف سازی در امور و برای مردم ترمیم کرد. زمانی که اعتماد بین ارکان

■ **سبک تربیت**

چرا کودک من دروغ می گوید؟

والدین صادقی باشیم

■ **مهلا روحی داریان**

خانواده کوچک سه نفره آنها به یک مهمانی دعوت می شوند. پدر طبق روال همیشه از رفتن سر باز می زند و بهانه های مختلف برای نرفتن می آورد. مادر به همراه کودک شش ساله خود راهی مهمانی می شود. شب هنگام وقتی به منزل می رسند، پسرک از پدر می پرسد: «بابا شما هم به جلسه شامی که دعوت داشتی رفتی؟» پدر با خنده می گوید: «جلسه و شامی دعوت نداشتم پسر م. همین طوری گفتم چون حوصله مهمانی را نداشتم.» پسرک با عجله خود را به مادر می رساند و پریشان به مادر می گوید: «مامان ما می ریم جهنم. خدا ما رو نمی بخشه» مادر کودک خود را بغل می کند و از او علت این صحبت و نگرانی را جو یا می شود. پسرک با حالتی نگران برای مادر تعریف می کند که پدر به او دروغ گفته و اصلاً جلسه شامی دعوت نداشته ولی در مهمانی هر کس که سرآغ پدرش را از او گرفته او گفته پدرش جای دیگری دعوت داشته ولی حالا فهمیده او هم به همه دروغ گفته و خیلی ناراحت است. مادر پسرک را در آغوش می گیرد و همانطور که او آرام می کند او را مطمئن می سازد که خدا از او ناراحت و دلگیر نیست چون او هم نمی دانسته پدر واقعیت را نگفته و به هر دوی آنها دروغ گفته است... خانواده اولین و مهم ترین نهاد برای تربیت کودکان است و پدر و مادر الگوی رفتاری فرزندان خود هستند. آنها با رفتار و کردار خود در شکل گیری شخصیت فرزندان نقش بسزایی دارند. وقتی پدر و مادری حتی دروغ های کوچک و ظریفی را به یکدیگر می گویند یا در مواجهه با دیگران به دلایلی و در شرایط خاصی مجبور به دروغگویی می شوند و کودکان شاهد این دروغگویی ها هستند نباید انتظار داشته باشند فرزند راستگویی تحویل جامعه دهند. کودکان، دروغگویی را در خانواده یاد می گیرند و اگر این خصلت مورد توجه و اصلاح از طرف والدین قرار نگیرد در وجود آنها نهادینه شده و در بزرگسالی به یک معضل رفتاری تبدیل می شود.

■ **تولد کودک دروغگو!**

همه والدین اولین سوألی که در مواجهه با فرزند دروغگو، از خود می پرسند این است: «چرا کودک ما دروغ می گوید؟» کودکان از ۳ سالگی متوجه می شوند که بزرگ ترها نمی توانند فکر آنها را بخوانند. پس از همین سن برای سرپوش گذاشتن روی اشتباهات خود یا برای خلاصی از دردسر دروغ می گویند. پس کودکان از سنین پایین دروغگویی را یاد می گیرند و برای نجات خود از خرابکاری هایی که انجام می دهند متوسل به دروغ می شوند، اما والدین آن را به پای شیرین زبانی کودک می گذارند و با خنده از کنار آن رد می شوند. در بعضی مواقع کودک ک بین واقعیت و تخیل نمی تواند فرقی قائل شود پس با تخیلات خود داستان هایی را به عنوان واقعیت برای بزرگ ترها بازگو می کند که اتساق نیفتاده است. وقتی والدین با اشتیاق به داستان های بلندمدت داشته باشند از طرف مردم دروغ پردازی و پنهان کاری زمینه نابودی کارها و سیستم ها را فراهم سازد.

■ **صداقت فقط یک موضوع اخلاقی نیست**

عده ای فکر می کنند صداقت و راستگویی صرفاً یک مسئله اخلاقی است و تأثیرات آن زیاد در جامعه به چشم نمی آید و شاید حداکثر شاهد آثار سوء آن در یک محدوده بسیار کوچک و گذرا باشیم و از این رو ناخود آگاه می خوانند آن را در بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی به حاشیه برانند، اما باید گفت که صداقت و دروغگویی موضوعی کلیدی در فهم و نقد تمامی حوزه های اجتماعی است و نقش آن در اقتصاد و تجارت نیز کمتر از سرمایه، نیروی انسانی و دیگر عوامل نیست. نمی توانیم انتظار داشته باشیم که ادارات ما از سلامت برخوردار باشند اما اولین قدم که اعتمادسازی و شفاف سازی امور است را رعایت نکنیم و در نهایت برای ریشه کنی دروغ اقدامی انجام ندهیم.



■ **صداقت را الگو قرار دهیم**

در مواجهه بسا دروغ فرزند خود مثبت اندیش

درد

شما می توانید به کودک بگویید: «وقتی تو واقعیت را به من نمی گویی من خیلی ناراحت می شوم و احساس ناامیدی می کنم». در واقع به کودک بگویید از اینکه حقیقت را به شما می گوید ممنون هستید و اصلاً دوست ندارید دروغی بشنوید. می توانید داستان هایی در رابطه با ضررهای دروغگویی برای او بازگو کنید مثل داستان چوپان دروغگو. به طور کلی به جای تشبیه دروغ های کوچک کودک، ارزش اظهار حقیقت را به او یادآوری کنید و صداقت او را بدون یادداشت نگذارید.

به اعتقاد روانشناسان، چنانچه والدین، راستگویی را معیار بارز زشی برای فرزندان خود معرفی و به این بهانه آنها را تشویق کنند، حقیقت گویی ملکه ذهن فرزندان شده و الگوی رفتاری آنان می شود. والدین وقتی نشانه هایی از صفت دروغگویی را در فرزندان خود دیدند باید برخورد درستی با آنها داشته باشند تا این رفتار در آنان پرورش پیدا نکند. از طرف دیگر باید مراحل تکامل کودکان مورد توجه قرار گیرد زیرا کودکان تا سنین پنج ای شش سالگی در حال تحول هستند و خیالیافی می کنند در حالی که والدین این رفتار او را به حساب دروغ می گذارند. در سنین بالاتر لازم است عامل دروغگویی کودک را شناسایی و با روی خوش یا او صحبت کنید و برای تکرار نکردن آن از او قول بگیرید.

این در حالی است که سیستم آموزشی و رسانه ها نیز در الگوسازی معیارهای مثبت جایگاه ارزشمندی دارند. چنانچه در خانواده و مدارس از رهنمودهای مذهبی بهره برده شود و تشبیه گفتار نادرست در قالب برنامه های تلویزیونی، کارتون، تئاتر یا دیگر رشته های هنری نمایش داده شود، کودکان خواهند فهمید که دروغگویی ممکن است در کوتاه مدت آنها را از شرایط سخت نجات دهد ولی در بلندمدت شخص، خانواده و جامعه را متضرر خواهد کرد.

■ **برخی دلایل دروغگویی کودکان**

دلایل بسیاری برای دروغگویی کودکان وجود دارد. کودکان ممکن است در شرایط خاصی دروغ بگویند. ترس، کمبود محبت، عدم احساس امنیت و تمایل کودک به محک زدن توانایی های خود، عمده ترین عوامل گرایش او به دروغگویی آگاهانه است. دروغ یک نوع انحراف از سلامت روانی است. بدین ترتیب وقتی والدین به صورت منطقی به نیازهای کودک پاسخ ندهند، کودک دروغگو می شود. ضعف شخصیت و مورد تحقیر واقع شدن کودک به وسیله والدین و اطرافیان نیز